

مصادیق الزام به رعایت اصل حسن نیت در حقوق مدنی افغانستان

خداداد حکیمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

چکیده

اصل حسن نیت از اصولی است که امروزه در حقوق داخلی کشورها و در اسناد بین المللی اهمیت زیادی پیدا کرده است. این اصل در مباحث مربوط به حقوق قراردادها نظر به تحول و تنوعی که یافته است، از اهمیت مضاعف برخوردار است. اصل حسن نیت در مفهوم نوین به معنای صداقت و درستکاری است اما در مفهوم سنتی به خطا و اشتباه تعبیر می گردد. این نگارش در پی بررسی توصیفی-تحلیلی مصادیق اصل حسن نیت در حقوق افغانستان است. یافته ها نشان می دهد که در حقوق افغانستان اصل نامبرده در هر دو مفهوم سنتی و نوین آن به طور گسترده کاربرد دارد؛ حسن نیت در مفهوم نوین بیشتر بر قراردادها حاکم است. بر بنیاد آن، طرفین تعهد می یابند که در مراحل مختلف روابط قراردادی خویش رفتار صادقانه و قابل قبول پیشه نمایند. برای نقض حسن نیت به این مفهوم، ضمانت اجراهای مشخصی وجود دارد. مفهوم سنتی حسن نیت اما جنبه حمایتی داشته و کمتر به قراردادها ناظر است. در این راستا، اشخاصی که در روابط حقوقی به موجب خطا و اشتباه متحمل زیان می گردند، قانونگذار جبران های را پیش بینی نموده است.

واژگان کلیدی: اصل حسن نیت، مفهوم نوین، مفهوم سنتی، قرارداد، حقوق افغانستان.



مقدمه

یکی از اصول مهم حقوقی، اصل حسن نیت است. این اصل در واقع مفهوم اخلاقی است که وارد عرصه حقوق گشته و از این جهت موجب پیوند و ارتباط حقوق و اخلاق گردیده است. ریشه های اولیه این اصل به حقوق روم و سپس اروپا باز می گردد اما امروزه این اصل به لحاظ اهمیتی که در پی گسترش و تنوع روابط حقوقی یافته، در قوانین داخلی بسیاری از کشورها و در اسناد بین المللی مربوط به حقوق قراردادها به رسمیت شناخته شده است. حسن نیت از مفاهیم مبهم و پیچیده ای است که در مورد تعریف آن اتفاق نظر وجود ندارد. به صورت کلی این اصل انسانها را الزام می نماید تا در روابط حقوقی خویش و از جمله در عرصه قراردادها، صادقانه و منصفانه و مطابق اصل اعتماد و همکاری رفتار نموده و از فریب و نیرنگ و انگیزه های مغایر حسن نیت دوری کنند. این اصل از اصول الزامی و به اصطلاح از قواعد آمره است که توافق بر خلاف آن غیر ممکن می باشد. هدف آن جلوگیری از خود کامگی و سوء استفاده در روابط و نیز حمایت از اشخاص دارای حسن نیت است.

حقوق افغانستان نیز همگام با تحول جهانی حقوق و پیدایش مفاهیم جدید حقوقی، اصل حسن نیت را به گونه وسیع به رسمیت شناخته است. اصل مزبور در بسیاری موارد در قوانین مختلف به گونه صریح و در حالاتی نیز به صورت ضمنی در ابواب مختلف مطرح گردیده است. پرسش اصلی تحقیق حاضر، چگونگی جایگاه مفهوم حقوقی مورد بحث در حقوق افغانستان است. این نگارش به صورت مشخص در پی بررسی مصادیق اصل حسن نیت در این نظام حقوقی با تاکید بر حقوق قراردادها می باشد.

مفهوم حسن نیت

حسن نیت از دو واژه (حُسن) و (نیت) ترکیب یافته است. حسن در لغت به معنای نیکویی، خوبی، درستی و ضد قُبْح (بدی) و جمع آن محاسن است. (معلوف، ۱۳۶۴، ۱۳۴۴، ۱۳۴۶، ج ۱۹، ۵۵۸) نیت نیز به معنای خواست، اراده، عزم و قصد است. (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۴۸، ۹۸۵) ترکیب حسن نیت، ترکیب اضافی و وصفی است و به معنای نیک بودن نیت یا نیکی در نیت و مقابل سوء نیت بکار می رود. (همان، ج ۱۹، ۵۶۰) حسن نیت از جمله مفاهیمی است که با وجود بدیهی بودن مفهوم آن در ذهن، تعریف آن بسیار دشوار است. به همین دلیل نظام های حقوقی تعریف روشنی از آن ارائه نکرده اند. تعاریف متعدد و متفاوتی از سوی حقوقدانان در مورد آن بیان گردیده است. از باب «تعرف الاشياء باضدادها» برخی حسن نیت را به نداشتن سوء نیت تعریف کرده است. برخی به جنبه سلبی آن توجه نموده و حسن نیت را به نداشتن قصد ایجاد



ضرر و رفتار مغایر استاندارد های که در معاملات تجاری وجود دارد تعریف کرده است. (واثقی و کوزه گر، ۱۳۹۳، ۲۷؛ سیمایی صراف و جعفر زاده، بی تا، ۱۳۶، ۴۱-۴۱؛ سیمایی صراف، ۱۳۹۳، ش ۱۰، ۵۲)

در دانشنامه حقوق خصوصی در تعریف اصطلاح حقوقی حسن نیت آمده است: «حسن نیت وصفی است که در آن خاطی گمان نمی‌کرده است محظوریتی قانونی در اشتباهی که انجام داده وجود داشته است. به عبارت دیگر، به رفتار و سلوک درست و نبود نیت زیان رسان، (حسن نیت) گفته می‌شود.» (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ۸۲۶)

به نظر می‌رسد مناسب ترین تعریف از حسن نیت، تعریفی است که در آن در دکتترین حقوقی میان مفهوم سنتی و نوین حسن نیت تفکیک می‌گردد؛ چنانکه در تعریف اخیر و البته بدون تفکیک به این دو مفهوم اشاره گردیده است. حسن نیت در مفهوم سنتی عبارت است از باور نادرست و در عین حال بدون تقصیر نسبت به وضعیت حقوقی که به موجب آن اقدام به عمل حقوقی می‌نماید. حسن نیت در این مفهوم دارای جنبه حمایتی است و قانونگذار از شخص در برابر زیان ناشی از عمل حقوقی مزبور حمایت می‌کند.

در اصطلاح نوین، حسن نیت به مفهوم اعتماد، همکاری، صداقت و درستکاری دلالت می‌نماید. (الهویی نظری و محمدی، ۱۳۹۴، ۱۰۱؛ شبیری زنجان، ۱۳۹۷؛ رسولی، ۲۲۹، ۱۳۹۶) برای مفهوم سنتی می‌توان به موردی اشاره کرد که شخص جنسی را از فروشنده خریداری می‌کند با تصور اینکه وی مالک جنس است سپس روشن می‌گردد که فروشنده آن را از طریق سرقت بدست آورده است. در مقابل، تعهد به انتقال اطلاعات به طرف قرارداد، نمونه‌ای از تعهد به مفهوم نوین حسن نیت شمرده می‌شود. مفهوم سنتی حسن نیت، مفهوم ذهنی است برخلاف مفهوم نوین که ناظر به رفتار است. با توجه به مفهوم نوین حسن نیت، برخی قائل گشته اند حسن نیتی که در قلمرو قراردادها بکار می‌رود عبارت است از اینکه یک طرف قرارداد تعهدات قراردادی خویش را با صداقت و درستی انجام دهد آنگونه که در عرف تجاری معمول است. (انصاری، ۱۳۸۸، ش ۴، ۴۳)

تعریف مختار در این تحقیق، تعریف حسن نیت به دو مفهوم سنتی و نوین آن است.

گستره حقوقی مفهوم حسن نیت در حقوق مدنی

دو مفهوم سنتی و نوین اصل حسن نیت در عین استقلال و تفاوت، از مبنای و احدی برخوردار بوده و نشان دهنده ابعاد مختلف این اصل است؛ اصل حسن نیت در تحلیلی، دارای ابعاد سه گانه شخصی، عینی و حمایتی است؛ بعد شخصی حسن نیت ناظر به قصد و اراده است؛ برای مثال لازم است متعاقدین در انجام اعمال حقوقی دارای قصد و نیت نیک بوده و از این نظر در روابط خویش صداقت داشته باشند. مفهوم شخصی حسن نیت مقابل سوء نیت قرار دارد. حسن نیت به مفهوم شخصی تنها، نمی‌تواند مبین معنای کامل



آن باشد بلکه در کنار مفهوم شخصی، آنچه که مهمتر است مفهوم عینی است. حسن نیت در مفهوم عینی ناظر به مر حله عمل است؛ به این مفهوم که اشخاص در روابط خویش رفتار مبتنی بر صداقت و درستکاری پیشه کنند. حسن نیت به مفهوم عینی معمولاً موضوع تعهد قرار می‌گیرد. (صالحی راد، ۱۳۸۷، ۸۴-۸۰) مفهوم حسن نیت، دارای جنبه سومی نیز می‌باشد و آن جنبه حمایتی آن است. این جنبه در مفهوم سنتی اصل حسن نیت مورد نظر واقع شده است؛ یعنی حسن نیت به مفهوم اشتباه و خطا. به این توضیح که به عنوان مثال کسی که به موجب اشتباه و خطا به انجام عمل حقوقی اقدام می‌نماید، قانونگذار از وی حمایت می‌کند و در نتیجه وی را مسئول جبران زیان‌های ناشی از عمل حقوقی انجام شده در اثر اشتباه نمی‌داند. (انصاری، ۱۳۸۸، ۴۲) بنابر این ملاحظه می‌گردد که مفهوم حسن نیت در عین وحدت به دلیل اخلاقی و منصفانه بودن، دارای ابعاد مختلف است.

مبنای اعتبار

مبنا به معنای اساس و بنیان چیزی است و در پاسخ به چرایی امری واقع می‌شود و صبغه فلسفی دارد. برای مثال در بحث فلسفه حقوق می‌خوانیم که یکی از ویژگی‌های حقوق و قانون، الزام آوری است که به موجب آن اعضای جامعه ملزم به پیروی از قواعد و احکام آن می‌گردند. آنچه که به چرایی الزام ناشی از حقوق پاسخ می‌دهد، مبنای حقوق گفته می‌شود. در این بحث، مقصود سبب و دلیل قانونی است که ایجاد تعهد می‌نماید.

یکی از اصول حاکم بر روابط اشخاص در جامعه، اصل استقلال و برابری است. بر مبنای این اصل، هیچ فردی از افراد جامعه بر دیگری برتری و سلطه ندارد. در روابط حقوقی بر مبنای اصل حسن نیت، اطراف در برابر یکدیگر ملزم به داشتن نیت نیک و رفتار صادقانه هستند و بدین ترتیب برای طرفین نسبت به یکدیگر، نوعی سلطه ایجاد می‌گردد. پرسش اساسی که مطرح می‌شود این است که چرا و بر چه مبنایی، اشخاص در روابط حقوقی خویش در برابر طرف مقابل به رعایت حسن نیت و به پرداخت زیان ناشی از عدم رعایت آن الزام پیدا می‌کنند؟ پاسخ به این پرسش چیزی است که از آن به مبنای اصل حسن نیت تعبیر می‌گردد.

در پاسخ به چرایی لزوم رعایت حسن نیت و اجرای آن با حسن نیت قرارداد، اموری چون وفای به عهد، اخلاق، نظم عمومی و حمایت از تمامیت رضای قراردادی به عنوان مبنای حسن نیت شمرده شده است که در این مجال به مهمترین آن اشاره می‌گردد.



قراردادها برای رسیدن به اهداف خاص انعقاد می‌یابد. اقتضای اصل وفای به عهد این است که جوانب قرارداد نسبت به متعهد به پایبندی داشته و تعهدات ناشی از قرارداد را به انجام رسانند تا غرض مقصود حاصل آید. اصل وفای به عهد مورد پذیرش مکاتب مختلف است. در مکتب اسلام نیز آیات و روایات زیادی بر لزوم رعایت آن تأکید نموده است. صریح‌ترین نمونه آن آیه مبارکه: «یاایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» (مائده، ۱) است که به موجب آن مسلمانان به وفای نسبت به پیمان‌های شان فرا خوانده شده است. وفای به عهد وقتی حاصل می‌گردد که متعهد با امانت داری و صداقت در انجام تعهد قدم بردارد. برخی، نظم عمومی را مبنای رعایت حسن نیت قراردادی دانسته‌اند. در برخی نظام‌های حقوقی از جمله در ماده ۲۴۲ قانون مدنی آلمان، حسن نیت را جزو نظم عمومی شمرده و توافق خلاف آن دو را بی اعتبار دانسته است. این امر دلالت بر امره بودن حسن نیت و حاکی از پیوند آن با نظم عمومی است. به باور برخی، حسن نیت مفهوم اخلاقی است. اخلاقی بودن مفهوم حسن نیت با مراجعه به وجدان و فطرت به روشنی قابل فهم است. حتی کشور های دارای نظام عرفی به ویژه انگلیس که به حسن نیت به عنوان یک قاعده حقوقی با دید تردید می‌نگرند، ارزش اخلاقی آنرا انکار نمی‌کنند. (واتقی و کوزه گر، پیشین، ۴۰؛ سیمایی و جعفر زاده، پیشین، ۱۹۸) برخی، اموری چون ضرورت، شرط ضمنی و حمایت از تمامیت رضای قراردادی (سید حسن شبیری زنجانی، پیشین) در شکل مثبت و منفی آن را مبنای حسن نیت دانسته‌اند که جهت رعایت اختصار از تفصیل خود داری می‌گردد. در ادامه، به بررسی جایگاه و تبیین مصادیق اصل حسن نیت در نظام حقوقی افغانستان پرداخته می‌شود.

اصل حسن نیت در حقوق افغانستان

حسن نیت در بسیاری نظام‌های حقوقی مفهوم شناخته شده‌ای است اما میزان اعتبار و قلمرو کاربرد آن دارای شدت و ضعف است. به صورت عموم در کشور های دارای نظام رومن ژرمن یا حقوق نوشته (Civil) (law) اصل حسن نیت از اعتبار و اقتدار بیشتری برخوردار است. در نظام حقوق نوشته، کشورهای چون آلمان و فرانسه نمونه‌های مثال زدنی است که بیشترین اعتبار را برای حسن نیت قائل‌اند. در مقابل، در کشور های که از نظام کامن لا یا حقوق عرفی (Common law) پیروی دارند البته به استثنای آمریکا، حسن نیت در حقوق به عنوان یک اصل مورد پذیرش نیست. انگلیس نمونه بارز کشور دارای نظام حقوق عرفی است که موضع غیر قابل انعطاف‌تری نسبت به نقش حسن نیت دارد. نیت و انگیزه درستکاری یا حسن نیت در اجرای حق از منظر اندیشمندان حقوق انگلیس ضروری پنداشته نمی‌شود با این وجود در



انگلیس، مفاهیم و دکترین‌های مشابه دیگری چون اشتباه^۱، اکراه^۲، اعمال نفوذ ناروا^۳، انصاف^۴، تدلیس^۵، سوء عرضه یا قوانینی چون قانون شروط قراردادی غیر منصفانه و قانون بیع کالا وجود دارد که کاربرد حسن نیت را داشته و تأمین کننده هدف آن است. (سیمایی و جعفر زاده، بی تا، ش ۴۱، ۱۶۰؛ حبیبی، ۱۳۹۶، ۲۶۷ به بعد)

از آنجایی که حقوق افغانستان از خانواده نظام حقوقی رومی-ژرمنی است، در این نظام حقوقی، اصل حسن نیت به هردو مفهوم سنتی و نوین آن در موارد گوناگون و از جمله در عرصه قراردادها به وفور مورد توجه قرار گرفته است. اکنون نخست جلوه‌های مفهوم نوین و سپس سنتی آن در دو گفتار به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول-مصادیق اصل حسن نیت به مفهوم نوین

حسن نیت به مفهوم نوین به معنای صداقت، درستکاری، همکاری و امانت دار بودن است. در حقوق، وقتی بحث از نقش حسن نیت در زمینه قراردادها در مراحل مختلف آن مطرح می‌گردد بیشتر حسن نیت به این مفهوم مورد نظر است. تاثیر حسن نیت به این مفهوم در عرصه قراردادها می‌تواند شامل مذاکرات مقدماتی، تشکیل، تفسیر و اجرای قرارداد گردد اما چنان که تذکر رفت، دامنه تاثیر این اصل در نظام‌های مختلف، یکسان نیست؛ در برخی نظام‌ها در یک یا چند مورد و در برخی دیگر تقریباً در همه زمینه‌ها نقش و تاثیر آن را پذیرفته شده است. اینک در این بخش، به حقوق افغانستان نظر می‌گردد و آن دسته از احکام قانونی که حسن نیت به مفهوم نوین در آن انعکاس یافته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف-حسن نیت در مذاکرات مقدماتی

یکی از اصول قراردادها، اصل آزادی قراردادی است. این اصل به طرفین در انعقاد قرارداد آزادی می‌بخشد. بر بنیاد آن، طرفین می‌توانند قرارداد را منعقد کنند یا از انعقاد خودداری ورزند. این آزادی اما امروزه دارای قیود و حدودی است. ممکن است در معاملات بزرگ، رسیدن به توافق مورد نظر، متضمن صرف وقت و هزینه‌های هنگفتی باشد. در چنین مواردی یکجا به بعد دیگر انصراف از انعقاد قرارداد ممکن است تقصیر تلقی شده و هزینه‌های را به همراه داشته باشد. به همین دلیل، یکی از اصولی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی به عنوان پیش شرط انجام توافق مطرح می‌گردد، انجام با حسن نیت مذاکرات مقدماتی است. مقصود از حسن نیت در این مرحله این است که طرفین باید صادقانه و به قصد رسیدن به توافق و انعقاد قرارداد

¹. Mistake

². Duress

³. Undue influence

⁴. Equity

⁵. Misrepresentation



تلاش نمایند. بنا براین، لازم است اطلاعات لازم را جهت نیل به توافق در اختیار جانب مقابل قرار دهد. از سویی، وارد شدن در مذاکره جهت نیل به اطلاعات از جانب مقابل و سوء استفاده از آن بدون قصد انعقاد قرارداد با وی، مغایر حسن نیت است. (جعفر زاده و سیمایی صراف، بی تا، ۲۱۵؛ الهویی نظری و محمدی، ۱۳۹۴، ۱۱۴)

قانون قرارداد های تجارتي افغانستان ذیل عنوان (حسن نیت در قرارداد) در ماده ششم این قانون، به صراحت طرفین را به رعایت حسن نیت در مذاکرات ملزم می نماید: «به منظور عقد قرارداد، طرفین مکلف اند حین مذاکرات در اعمال حقوق و ایفای تعهدات، اصل حسن نیت را رعایت نمایند.»

ب- تاثیر حسن نیت در مرحله انعقاد قرارداد

مرحله انعقاد از مراحل بسیار مهم قرارداد است. این مرحله سر آغاز ایجاد حقوق و تعهدات برای طرفین رابطه حقوقی است و رعایت حسن نیت در آن بسیار حائز اهمیت است. برخی قرارداد را مجموعه واحدی می داند که رعایت حسن نیت در مرحله اجرا را بدون در نظر گرفتن آن در مرحله انعقاد، مفید فایده نمی داند. مقصود از رعایت حسن نیت در حین انعقاد عبارت است از نداشتن سوء نیت و قصد فریب و سوء استفاده از وضعیت خاصی که جانب مقابل در آن قرار دارد. (نیک پور، ۱۳۹۲، ۷۸) در حقوق افغانستان این مورد به درستی پیش بینی گردیده است. ماده ۵۷۷ق.م ناظر به رعایت اصل حسن نیت در این مرحله از مراحل قرارداد است. طبق این ماده قانونی، در حالتی که از احتیاج، ضعف ادراک یا عدم تجربه یکی از جانبین سوء استفاده گردیده و در نتیجه عقدی با غبن فاحش انعقاد یابد، شخص فریب خورده به موجب قانون حق می یابد تا به مدت یکسال بطلان عقد یا تنقیص اجرت را درخواست نماید. بنابراین، در این حالت سوء استفاده کننده در واقع تعهد خویش مبنی بر رعایت حسن نیت در مرحله انعقاد را نقض کرده است. به همین دلیل، جانب مقابلی که از این طریق غبن فاحش را متحمل گردیده است می تواند بطلان عقد یا تنقیص اجرت (در عقد اجاره) را از محکمه درخواست کند. این وضعیت، با برداشت از مفهوم نوین حسن نیت هماهنگ است؛ زیرا در اینجا بحث فریب، سوء استفاده و عدم درستکاری مطرح است که مغایر اصل حسن نیت است.

حسن نیت یا عدم آن از طریق انجام فعل و بروز رفتار مثبت صرف اتفاق نمی افتد بلکه در مواردی خود داری از رفتار معین نیز نشان دهنده عدم حسن نیت شخص است. (سیمایی صراف، ۱۳۹۳، ۶۱) در روابط حقوقی گاهی ایجاب می کند طرف یا طرفین قرارداد اطلاعات لازم را نسبت به موضوع به طرف مقابل انتقال



دهد. خود داری از این امر و کتمان حقایق، به معنای عدم رعایت حسن نیت شخص در روابط معاملی تلقی می‌گردد. ماده ۵۷۳ ق.م.مقرر می‌دارد: «فریب سلبی به محض کتمان حقیقت به وجود می‌آید. این فریب تدلیس پنداشته می‌شود.» پیشتر خاطر نشان شد که حسن نیت در معنای نوین به معنای صداقت و درستکاری در رفتار است که مقابل نیرنگ، فریب و تدلیس قرار دارد. بنابراین، ماده ۵۷۳ ناظر به اصل حسن نیت به مفهوم نوین است. از سویی، با توجه به ماده قبل آن (ماده ۵۷۰ ق.م) که فریب را تعریف می‌نماید، این حکم به مرحله انعقاد نظر دارد.

بند ۲ ماده ششم قانون بیمه جمهوری اسلامی افغانستان نیز در هنگام عقد بیمه طرفین را به دادن اطلاعاتی که موجب تزئید یا تخفیف مسؤلیت آنان می‌گردد، ملزم دانسته است.

قانون بیمه هرچند از عنوان حسن نیت نام نبرده است اما در موارد متعدد به مفهوم این اصل در مرحله تشکیل قرارداد پرداخته و ضمانت اجراهایی را برای حالت نقض آن پیش بینی نموده است.

ماده بیست و هشتم قانون بیمه در این راستا مقرر می‌دارد: «هرگاه بیمه شونده در اسناد بیمه مطالبی را درج نموده یا خلاف حقیقت درج نموده باشد به نحوی که منجر به تغییر ماهیت خطر یا کاهش اهمیت آن گردد، بیمه کننده می‌تواند قبل از وقوع خطر، حق الیمه اضافی مطالبه نموده یا بیمه نامه را فسخ نماید و حق الیمه پرداخت شده را به بیمه شونده مسترد نماید.» ملاحظه می‌گردد در ماده ذکر یافته، اصل حسن نیت بدون آنکه نامی از آن برده شود، مورد نظر قرار داده شده است؛ جایی که بیمه شونده از درج مطالب ضروری در اسناد بیمه خود داری می‌کند، نشان دهنده عدم رعایت اصل حسن نیت از سوی وی است.

موردی که بیمه شونده اقدام به درج مطالب خلاف واقع در اسناد بیمه می‌نماید، در حقیقت باز هم اصل حسن نیت را نقض نموده است. در هر حال، حق فسخ بیمه کننده یا مطالبه حق بیمه اضافی، ضمانت اجرایی است که قانونگذار برای حالت عدم رعایت حسن نیت پیش بینی نموده است.

ماده بیست و نهم قانون بیمه نیز حکم مشابه ماده بیست و هشتم مقرر گردیده و عدم رعایت اصل حسن نیت را از موجبات بطلان بیمه نامه (عقد بیمه) بر شمرده است. ماده بیست و نهم: «بیمه نامه در موارد آتی باطل شناخته می‌شود:

۱- هرگاه بیمه شونده حین عقد بیمه از وقوع خطر واقف بوده باشد.

۲- هرگاه بیمه شونده عمداً از اظهار مطالبی خود داری یا با اظهارات کاذبانه ماهیت حادثه یا خطر را

تغییر داده یا از اهمیت آن کاسته باشد.



۳- هرگاه حادثه یا خطر قبل از عقد بیمه وقوع یافته باشد.»

معمولاً بیمه برای خطرهای احتمالی است که در آینده ممکن است اتفاق افتد. بنابراین هرگاه در حالات مذکور در ماده فوق، بیمه شونده به انعقاد عقد بیمه مبادرت ورزیده باشد، این امر نشان از فقدان حسن نیت در شخص بیمه کننده بوده و ضمانت اجرای آن بطلان است. موردی که بیمه شونده از بیان مطالب ضروری در هنگام عقد خود داری می نماید، مصداق عدم رعایت جنبه سلبی اصل حسن نیت است که با اوصاف مذکور در ماده، بطلان عقد بیمه را در پی خواهد داشت.

ج- نقش اصل حسن نیت در اجرای قرارداد

اشخاص به هدف رسیدن به مقصود خاص، به انعقاد قرارداد مبادرت می ورزد. غرض و مقصود اصلی قراردادها تنها با اجرای درست و با حسن نیت قراردادها می گردد. بنابراین، یکی از مراحل مهم قرارداد، مرحله اجرای آن است. در مرحله اجرای قرارداد، طرفین ملزم به رعایت حسن نیت هستند. به عبارتی، حسن نیت جزو موضوع تعهد قراردادی است. در ماده ۶۹۷ ق.م.آ آمده است: «عقد بر آنچه که شامل آن بوده و حسن نیت مقتضی آن باشد نافذ می گردد. ...»^۱

عین حکم ماده ۶۹۷ ق.م.ن نسبت به نقش حسن نیت در تعیین حدود تعهد، در ماده ۴۴ قانون قرارداد های تجاری و فروش اموال انعکاس یافته است. در این ماده آمده است: «طرفین قرارداد تعهدات مربوط شان را طوری که در قرارداد مشخص گردیده بصورت کامل ایفاء می نمایند؛ اما این تعهدات و وظایف به آنچه که در قرارداد تصریح یافته محدود نگردیده بلکه موضوعاتی را نیز در بر می گیرد که به موجب قانون، عرف و تعامل موجود، ماهیت و هدف قرارداد حسن نیت متعلق به آن باشد.»

دو ماده قانونی فوق به مرحله اجرای قرارداد نظر دارد. (رسولی، ۱۳۹۱، ۲۵۱) توضیح اینکه اگر در موقع اجرای تعهد قراردادی میان متعهد و متعهدله نسبت به قلمرو تعهد مزبور و پوشش یا عدم پوشش مورد خاص یا در نحوه اجرای تعهد نزاع واقع گردد، در این حالت آنچه که با مقتضای حسن نیت هماهنگ باشد مورد عمل قرار گرفته و در تکمیل قرارداد مورد نظر قرار می گیرد؛ برای مثال راننده‌ی که اجرتش طبق کیلومتر تعیین می گردد، اقتضای حسن نیت این است که وی کوتاه ترین طریق را برای رسیدن به مقصد

۱. حکم این ماده با کمی تفاوت، ترجمه بند ۱ ماده ۱۴۸ قانون مدنی مصر است که بیان می دارد: «يجب تنفيذ العقد طبقاً لما اشتمل عليه و بطريقة تتفق مع ما يوجبه حسن النية» معادل این حکم در بند ۱ ماده ۲۲۱ قانون مدنی عراق و بند ۱ ماده ۱۴۹ قانون لبنان (عبد، ۲۰۰۷، ۴۲)، بند ۱ ماده ۱۴۹ قانون مدنی سوریه، بند ۱ ماده ۱۵۰ قانون مدنی عراق و بند ۱ ماده ۱۴۹ قانون تجارت کویت نیز پیش بینی شده است. (عبیدات، ۲۰۱۱، ۲۰۷)



انتخاب نماید در غیر آن نسبت به حسن نیتش سؤال ایجاد خواهد شد. در همین راستا، رویه قضایی فرانسه متصدی حمل و نقل را ملزم به انتخاب راهی نموده است که منافع دارنده کالا بهتر تأمین می‌گردد یا در جایی که کسی متعهد به سیم کشی برق می‌گردد، مقتضای حسن نیت آن است که متعهد کوتاه‌ترین راه را برگزیند تا در نتیجه کم‌ترین هزینه بر متعهد تحمیل گردد. (حبیبی، ۱۳۹۶، ۲۶۹)

د- حسن نیت، مبنای همکاری در اجرای تعهد

یکی از کار کرد های حسن نیت به مفهوم نوین، همکاری در اجرای تعهدات قراردادی از سوی متعهدله است. در گذشته، متعاقدین چون دو متخاصم تلقی می‌گردید و در رابطه قراردادی هرکدام تنها به چگونگی تأمین منفعت خویش فکر می‌نمود اما امروزه قرارداد به عنوان پروژه مشترکی پنداشته می‌شود که نیازمند همکاری و همیاری جانبین آن است. حقوقدانان، قرارداد، عرف و عادت و حسن نیت را مبنای تعهد همکاری دانسته‌اند. (شعاریان، ۱۳۹۰، ش ۱، ۱۱۵) اصل حسن نیت یکی از مبانی مهم تعهد همکاری متعهدله شمرده می‌شود. اقتضای اصل حسن نیت قراردادی این است که متعهدله برای تسهیل اجرای تعهد همراه متعهد همکاری کند. این مفهوم در اسناد بین‌المللی حقوق قراردادها چون اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول قراردادهای اروپا و در نظام حقوق داخلی بسیاری از کشور های دارای نظام حقوق نوشته پیش بینی شده است. کشور های چون فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، آلمان، یونان و... (شعاریان و ترابی، ۱۳۸۹، ۸۳) این اصطلاح هر چند در حقوق افغانستان ذکر نگردیده اما مفهوم آن از نظر قانونگذار دور داشته نشده است. مطابق احکام مواد ۱۲۵۳ و ۱۲۵۴ ق.م، شریک در عقد شرکت ملزم به تعاون و همکاری با سایر شرکا در امور شرکت دانسته شده است بگونه‌ای که عدم این همکاری در مواردی حتی ممکن است به انحلال شرکت بینجامد.

گفتنی است همکاری در اجرای تعهد شامل رعایت حسن نیت تنها در جنبه مثبت و انجام کار مطرح نیست بلکه شامل حسن نیت از نوع منفی را نیز شامل می‌گردد. حسن نیت در بعد مثبت شامل مواردی از قبیل مشارکت و همکاری در اجرای قرارداد می‌گردد اما گاهی حسن نیت از نوع منفی آن اهمیت می‌یابد مثل خود داری از تخلف و خلق مانع برای اجرا. قانونگذار در ماده ۱۰۷۵ ق.م در مقام تبیین تعهدات بایع، بدون ذکر اصطلاح حسن نیت، هردو جنبه مثبت و منفی آن را مورد توجه قرارداده است: «بایع به اجرای اعمالی که برای انتقال ملکیت مبیعه ضروری پنداشته می‌شود و همچنین به اجتناب از اعمالی که انتقال ملکیت مبیعه را ناممکن گرداند مکلف می‌باشد.»



ه- تاثیر حسن نیت در باب فسخ قرارداد و آثار ناشی از آن

اصل اولی در عقود و قراردادها، لزوم و پایبندی به آن است و فسخ قرارداد، استثنائی است که از سوی قانونگذار در موارد لزوم پیش بینی شده است. فسخ در اصطلاح حقوقی، عمل حقوقی یک طرفه‌ی است که به هستی قرارداد به وسیله یکی از طرفین آن یا شخص ثالث پایان داده می‌شود. (شهیدی، ۱۳۸۳، ۲۰۲)

به صورت عموم، مبنا و منشاء حق فسخ را وجود ضرر و زیان تشکیل می‌دهد اما اسباب حق فسخ حسب موارد ممکن است متفاوت باشد. این اسباب می‌تواند حکم قانون، توافق یا هم حکم محکمه ذی صلاح باشد. هرچند دو مبنای اخیر نیز در حقیقت بازگشت به مبنای اول داشته و اعتبار خود را از آن می‌گیرند به هر حال در عقود جایز، هریک از طرفین اختیار برهم زدن قرارداد را دارا می‌باشند اما در عقود لازم در موارد خاصی فسخ جواز پیدا می‌کند. حقوق افغانستان در مواردی، حق فسخ را مشروط به رعایت حسن نیت دانسته است. در جایی، عدم رعایت حسن نیت، از موجبات حق فسخ بر شمرده شده است. از سویی، اصل و قاعده این است که با فسخ عقد، تمامی حقوقی که پس از عقد و قبل از فسخ از سوی مشتری برای ثالث ایجاد شده است ساقط می‌گردد. این قاعده دارای استثنائاتی است. استثنائات قاعده، مشروط به وجود و احراز حسن نیت در این مساله است.

۱. حسن نیت، شرط تمسک به اشتباه یا غلطی

تمسک به اشتباه یا غلطی، مشروط به عدم مغایرت آن با مقتضای حسن نیت دانسته شده است. بر بنیاد ماده ۵۶۳ ق.م. شخصی که در اشتباه یا غلطی اساسی واقع گردیده، حق فسخ قرارداد را می‌یابد اما این حق مشروط به رعایت حسن نیت است. در حالتی که بائع برای جبران اشتباه اعلام آمادگی نماید دیگر حق فسخ مشتری ساقط می‌گردد. ماده ۵۶۸ ق.م. مقرر می‌دارد: «شخصی که در غلطی واقع گردیده نمی‌تواند به آن طوری تمسک نماید که معارض آنچه حسن نیت مقتضای آن است باشد.^۱ اگر طرف مقابل برای تنفیذ این عقد اظهار آمادگی نماید، به ابرام عقد ملزم پنداشته می‌شود.» غلطی، تصور خلاف واقعی است که به موجب آن قرارداد منعقد گردد. (رسولی، ۱۳۹۶، ۹۶) اشتباه در بستن قرارداد نیز به انواعی تقسیم می‌گردد که برخی مانع انعقاد عقد، برخی موجب فسخ و دسته دیگر عاری از تأثیر است. (همان، ۹۷) در هر حال شرط استناد به

۱. این ماده ترجمه ماده ۱۲۴ قانون مدنی مصر است که مقرر می‌دارد: «لیس لمن وقع فی غلط ان یتمسک به علی وجه ۱ یتعارض مع ما یقضی حسن به حسن النیه»



اشتباه در ماده فوق، عدم تعارض آن با حسن نیت پیش بینی شده است. بنابراین اگر کسی اقدام به خرید ظرفی نماید به تصور اینکه جنس آن طلا است سپس معلوم گردد که ظرف طلا نیست، در این حالت مشتری حق فسخ می یابد اما اگر بایع به تحویل ظرف طلایی به مشتری اعلام آمادگی نماید دیگر حق مشتری ساقط می گردد؛ زیرا تمسک به حق فسخ در این حالت مغایر حسن نیت تلقی می گردد.

نکته ای که لازم است به آن اشاره گردد این است که ممکن است برای خواننده نخست چنین برداشت حاصل آید که این امر از آنجایی که با اشتباه و تصور خلاف واقع پیوند دارد، بنابراین تبیین کننده حسن نیت به مفهوم سنتی آن است نه حسن نیت مورد نظر این سطور، که مفهوم مدرن باشد. در پاسخ یاد آوری می گردد که طبیعی است که قرارداد مزبور در نتیجه اشتباه و غلطی انعقاد یافته و این بعد قرارداد نشان دهنده مفهوم سنتی حسن نیت است اما آنچه که در این خصوص مورد نظر است، حسن نیت شخص در هنگام استناد به اشتباه است. آنچه در موقع استناد برای شخص استناد کننده شرط است، حسن نیت به مفهوم نوین است. به همین اساس در مثال فوق اگر بایع حاضر به جبران و تسلیم ظرف طلا به مشتری گردد، و مشتری با وجود آن بر مطالبه فسخ اصرار ورزد، این امر نشان دهنده عدم حسن نیت به مفهوم نوین آن از سوی مشتری بوده و صداقت مشتری مورد پرسش قرار می گیرد.

۲. مصلحت ایجاد شده برای ثالث دارای حسن نیت

عمل فسخ، به هستی قرارداد پایان می دهد و طبق قاعده، همه حقوق مترتب بر موضوع آن از جمله مصلحت ایجاد شد برای ثالث نیز ساقط می گردد اما این موضوع دارای استثنائاتی است. یکی از استثناهای آن این است که حقوق ایجاد شده برای اشخاص ثالث از سوی مشتری در صورت وجود و احراز حسن نیت، با فسخ قرارداد باقی است و نقض نمی گردد. بنابراین، در حالتی که مشتری پیش از فسخ عقد، حقوق عینی از قبیل رهن رسمی یا حیازی را بر مبیع به مصلحت اشخاص ثالث واقع سازد، در صورت حسن نیت ثالث، فسخ عقد تاثیری بر حقوق ایجاد شده برای وی ندارد. در ماده ۱۸۳۸ق.م آمده است: «هرگاه رهن از طرف مالک صادر شده باشد که سند ملکیت او باطل، فسخ، لغو، زایل یا به سبب دیگری بی اعتبار گردد، رهن به منفعت داین رهن گیرنده باقی می ماند مشروط به اینکه حین انعقاد عقد رهن، داین دارای حسن نیت باشد.»

۳. غبن فاحش ناشی از فریب، موجبی برای فسخ قرارداد



حسن نیت در مفهوم نوین به معنای صداقت و درستکاری است. خدعه، نیرنگ و فریبکاری نقطه مقابل آن است. ماده ۵۷۰ق.م در تعریف فریب بیان می‌دارد: «فریب عبارت از بکار بردن وسائل حيله آمیز قولی یا فعلی است که طرف مقابل عقد را به راضی شدن به انعقاد عقد بکشاند، به نحوی که اگر این وسائل بکار برده نمی‌شد، رضایت وی در عقد به میان نمی‌آمد.» بر مبنای ماده ۵۷۱ق.م در حالتی که فریب، موجب به وجود آمدن غبن فاحش گردد، برای شخص فریب خورده حق فسخ به وجود می‌آید. معیار غبن فاحش نیز در ادامه این ماده تبیین شده است؛ غبن زمانی فاحش تلقی می‌شود که تفاوت قیمت واقعی و قیمت فروش در زمان عقد به میزان ۱۵ فیصد یا بیشتر از آن بالغ گردد. ملاحظه می‌گردد که فریب و حسن نیت نداشتن یکی از طرفین عقد با وجود شرایطی، موجبی برای تحقق فسخ به نفع جانب مقابل می‌گردد.

مورد مذکور، نشان دهنده حالتی است که فریب از سوی یکی از طرفین عقد تحقق می‌یابد. گاهی اشخاص ثالث موجب فریب یکی از اطراف عقد می‌گردد. در این صورت مطابق ماده ۵۷۴ق.م، تحقق حق فسخ برای فریب خورده مشروط به این است که آگاهی طرف مقابل را نسبت به فریب در هنگام عقد و یا دست کم قدرت آگاهی یافتن وی را از آن به اثبات رساند. این حکم نشان دهنده این است که حسن نیت، حالت اصلی است و ادعای خلاف آن نیازمند اثبات است.

و- منع سوء استفاده از حق

یکی از نظریات مهم در مباحث مسئولیت مدنی، نظریه سوء استفاده از حق است. به موجب این نظریه، اعمال و اجرای هر حقی محدود به هدفی است که قانون از ایجاد آن داشته است و در صورتیکه تصرفات مالک موجب ورود زیان بر غیر گردد، وی پاسخگو است. نظریه سوء استفاده از حق، نظریه‌ای است که در گذشته نیز وجود داشته و در حقوق روم مورد استفاده بوده و سپس وارد قانون مدنی قدیم فرانسه گردیده است. در فرانسه با پیدایش فرد گرایی که شعار آن احترام به حقوق انسان بود و حقوق انسان را غیر قابل سلب می‌دانست، این نظریه قدری به فراموشی سپرده شد اما در اثر تلاشهای دو حقوقدان معروف فرانسوی «سالی» و «ژوسران»، نظریه مذکور دوباره احیاء و از سوی رویه قضایی و حقوق فرانسه به رسمیت شناخته شد. (سنهوری، ۱۹۵۶، المجلد الثانی، ۹۴۸)

نظریه سوء استفاده از حق نیز موافقان و مخالفانی دارد. به باور پلونیول فرانسوی، پذیرش این نظریه به مفهوم انکار حق است؛ زیرا از لازمه حق داشتن، استفاده کردن دارنده است و زمانی که مالک به موجب نظریه سوء استفاده از حق، از استفاده حق خویش منع گردد، دیگر حقی وجود ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۵۸، ۱۰۴)



با این وجود، امروزه این نظریه در بسیاری از قوانین جدید کشورها مطرح شده است. ماده ۲ قانون مدنی سویس بیان می‌دارد: «بر هر فرد لازم است اعمال حقوق و اجرای تعهدات خود را بر اساس اصل حسن نیت به جا آورد. سوء استفاده آشکار در استعمال حق، از حمایت قانون برخوردار نیست.» ذکر نظریه سوء استفاده از حق در صدر مواد قانون مدنی از سوی قانونگذار سویسی، از نگاه صاحب نظران به مفهوم پذیرش این نظریه به عنوان قاعده عمومی در مسئولیت مدنی می‌باشد. ماده ۲۲۶ قانون مدنی آلمان نیز مقرر می‌دارد: «استعمال حق برای مجرد اضرار به غیر جایز نمی‌باشد.» همچنین در مواد ۱۳۵ قانون تعهدات بولونیا، بند ۲ ماده ۱۲۹۵ ق م اتریش، و بند ۲ ماده ۷۴ طرح قانون فرانسوی- ایتالیایی نیز نظریه سوء استفاده از حق انعکاس یافته است. (سنه‌وری، ۱۳۸۲، ج ۸، ۱)

قانون مدنی افغانستان در موارد متعدد، سوء استفاده از حق را منع نموده است. ماده ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۹ قانون مدنی ناظر به این امر است و معیارهای تجاوز از حق نیز در ماده نهم قانون مدنی بیان شده است. (عبدالله و دیگران، ۱۳۹۱، ۵۵)

دومین معیار از معیارهای چهارگانه این است که اعمال کننده حق، قصد تعرض به حق غیر را داشته باشد. چنین انسانی چون صداقت و درستکاری را نسبت به غیر و حقوقش رعایت ننموده، ناقض جنبه سلبی اصل حسن نیت است. بر این اساس، برای مثال اگر کسی در حیاط منزل خود و در نزدیکی دیوار منزل همسایه چاهی حفر نماید و از طریق سست نمودن پایه‌های دیوار همسایه قصد تعرض به حق وی نماید و در نتیجه همسایه را متضرر سازد، چنین شخصی به دلیل نداشتن حسن نیت مسئول رفتار ضرری خویش قرار می‌گیرد.

گفتار دوم- مصادیق اصل حسن نیت به مفهوم سنتی
حسن نیت در مفهوم سنتی عبارت است از باور و اعتقاد نادرست و خلاف واقع نسبت به یک واقعه، یک حق و یا یک قاعده حقوقی. مطالعه احکام قانونی در این زمینه نشان می‌دهد که حسن نیت در برخی مواضع به مفهوم از نوع سنتی آن بکار رفته است. تمایز عمده‌ی که میان حسن نیت به این مفهوم و حسن نیت به مفهوم نوین از حیث قلمرو وجود دارد این است که حسن نیت به مفهوم سنتی بیشتر ناظر به مباحث مربوط به اموال و مالکیت و بحث مسئولیت مدنی است و به بحث قرارداد کمتر نظر دارد. اینک به اختصار به تبیین مهمترین مصادیق حسن نیت به این مفهوم از منظر حقوق افغانستان پرداخته می‌شود.



الف- تجاوز به حق غیر از روی جهل

در ماده ۲۲۷۶ ق.م.آ آمده است: «(۱) شخصی که بدون علم از تجاوز به حق غیر حائز حقی گردد، دارای حسن نیت شناخته می‌شود مگر اینکه این جهل او ناشی از خطای فاحش باشد.» ملاحظه می‌گردد که بخش مذکور از ماده قانونی، ملاک تشخیص حسن نیت یا سوء نیت، علم و جهل یا به عبارتی نوع باور و اعتقاد شخص (حسن نیت به مفهوم سنتی) دانسته شده است؛ بگونه‌ای که در تجاوز به حق غیر و اکتساب حق از این طریق، در حالتی که متجاوز به مخالفت رفتارش نسبت به واقع (تجاوز به حق غیر) علم و اعتقاد نداشته باشد، دارای حسن نیت شناخته شده است.

در ادامه، بند ۳ ماده مزبور به یک اصل بنیادی در این زمینه اشاره می‌نماید و آن اینکه حسن نیت همواره فرض دانسته می‌شود و کسی که ادعای سوء نیت می‌نماید ناگذیر از اقامه دلیل بر اثبات عدم حسن نیت است. شبیه آنچه که اصل صحت در باب معاملات بر صحت معاملات حکم می‌نماید تا ثبات و پایداری تعهدات خدشه دار نگردد. گفتنی است که اصل حسن نیت از آنجایی که با نظم عمومی ارتباط می‌گیرد، از جمله قواعد آمره است و در مقایسه با سایر اصول به عنوان اصل حاکم مطرح است.

در بیان ملاک نقض حسن نیت مندرج در ماده ۷۷۶ ق.م، ماده ۲۲۷۷ ق.م چنین مقرر می‌دارد: «حسن نیت وقتی نقض می‌شود که حائز بدانند که حیازت او مغایر حق غیر می‌باشد یا اینکه عیوب حیازت او براساس اخطار یا صورت دعوی مدعی، به او ابلاغ شود.» در این حالت از آنجایی که دیگر آن اعتقاد خلاف واقع وجود نداشته یا دست کم حائز نسبت به اعتقادش تردید پیدا می‌کند، حسن نیت وی نقض می‌گردد؛ زیرا حسن نیت در تعریف سنتی به معنای اعتقاد و باور نادرست نسبت به حق یا وضعیت حقوقی است که در این حالت چنین اعتقادی وجود ندارد.

ب- حقوق مکتسبه اشخاص دارای حسن نیت

حقوق مکتسبه، حقوقی است که اشخاص به موجب قانون با صلاحیت بدست می‌آورند. این حقوق نمی‌تواند به موجب قوانین و مقررات جدید سلب یا محدود گردد. این نوع حقوق نه تنها در کشور پیدایش آن بلکه در همه کشورها مورد احترام است. در حقوق بین الملل خصوصی معمولاً میان مرحله ایجاد حق مکتسب و تاثیر آن تفکیک می‌گردد. محل تاثیر حق مکتسب معمولاً در کشوری غیر از کشور محل ایجاد آن است. (ارفع نیا و روحانی، ۱۳۹۳، ۵)



مبحث دوم از قسمت دوم کتاب اول قانون مدنی افغانستان به «جمعیت‌ها» اختصاص یافته است. بند ۱ ماده ۴۰۳ ق.م در تعریف جمعیت بیان می‌دارد: «(۱) جمعیت عبارت است از مجموع اشخاص حقیقی یا حکمی که برای مدت معین یا غیر معین به منظور تأمین اهداف خیریه عام المنفعه اجتماعی، علمی، ادبی، فنی و هنری طور غیر انتفاعی مطابق به احکام این قانون تشکیل شده باشد.» حالتی که مجمع عمومی، هیأت مدیره یا رئیس جمعیت تصاویری را اتخاذ نماید که در مغایرت با قانون یا اساسنامه جمعیت باشد، مطابق بخش اول ماده ۴۳۵ ق.م، مطالبه ابطال صورت می‌گیرد. نحوه مطالبه، اشخاص مطالبه‌کننده و مراجع ذی صلاح رسیدگی‌کننده این امر در ادامه همین ماده و ماده ۴۳۶ تبیین شده است که این نوشتار در پی بررسی آن نمی‌باشد. در بنده ۲ ماده فوق پیش‌بینی شده است که ابطال تصاویر فوق‌الذکر نسبت به حقوق مکتسبه اشخاص دارای حسن نیت بی‌تأثیر است. متن بند ۲ بدین قرار است: «ابطال این گونه تصاویر بر حقوق مکتسبه اشخاصی که بر اساس حسن نیت ذی‌حق گردیده‌اند، تأثیر ندارد.» توضیح اینکه اگر در فاصله تصویب و ابطال تصاویر موصوف از سوی مراجع مذکور (مجمع عمومی، هیأت مدیره یا رئیس جمعیت) اشخاصی به موجب آن حقوقی را کسب نمایند، ابطال تصاویر مزبور بر حقوق این دسته اشخاص بی‌تأثیر خواهد بود. شرط عدم تأثیر ابطال در حقوق مکتسبه این اشخاص، حسن نیت آنها است.

به نظر می‌رسد حسن نیت اشخاصی که از تصاویر مزبور دارای حقوق مکتسبه گشته‌اند، به این است که آنان نسبت به مغایرت تصاویر جدید (تصاویری که به موجب آن حقوق اکتساب نموده‌اند) با قانون و یا اساسنامه جمعیت مزبور جاهل باشند. به عبارتی، آنان به درستی و صحت تصاویر و تصامیم اخذ شده برای جمعیت و در نتیجه به قانونی بودن حقوق مکتسبه خویش ایمان و اعتقاد داشته باشند.

ج- حایزات اشیای منقول با سبب صحیح و حسن نیت

ماده ۲۲۸۸ ق.م مقرر می‌دارد: «(۱) شخصی که مال منقول یا حق عینی را بر مال منقول یا سندی که بنام حامل آن اعتبار داشته باشند به استناد اسباب صحیح و توأم با حسن نیت حایز شود، مالک آن شناخته می‌شود. (۲) سبب صحیح به سندی اطلاق می‌شود که از طرف غیر مالک یا غیر صاحب حق صادر شده باشد.» ماده فوق، اسناد را دارای بالاترین ارزش در روابط حقوقی دانسته و مبین این قاعده اساسی است که دارنده سند، مالک مال منقول شناخته می‌شود. مراد از سبب صحیحی که در بند ۲ آمده، سندی است که به موجب انجام عمل حقوقی از سوی غیر مالک یا غیر صاحب حق صادر شده باشد؛ از قبیل بیع نامه، هبه نامه و وصیت نامه به مال معین و فاکتور خرید. (عبدالله و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۲۳)



سقوط تکالیف و قیود عینی مال منقول را نیز از ماده فوق استفاده نموده اند؛ یعنی در حالتی که مال منقول موضوع حق عینی از قبیل حق انتفاع و رهن رسمی یا حیازی باشد، این قیود با حیازت از بین می رود. (همان)

مطابق بند اول ماده فوق، اگر کسی با استناد اسباب صحیح و بدون علم به مالک واقعی مال (دارا بودن حسن نیت) با شخصی غیر از مالک عمل حقوقی انجام دهد، وی صاحب آن مال دانسته می شود. چنانکه بیان گردید، حسن نیت به مفهوم سستی دارای جنبه حمایتی است. در اینجا نیز هدف این قاعده حمایت از شخص دارای حسن نیتی است که با غیر مالک به استناد اسباب صحیح و به این پندار که او مالک است، معامله می نماید.

بر بنیاد ماده ۲۲۸۸ ق.م، شخصی که با اسباب صحیح توأم با حسن نیت، مال منقولی را حیازت نماید، مالک شناخته می شود. این یک قاعده است. این قاعده مانند بسیاری قواعد دیگر دارای استثناء است که در ماده ۲۲۸۹ و ۲۲۹۰ ق.م تبیین گشته است. استثنای آن جایی است که مال مزبور سرقت و یا مفقود شده باشد. در این دو حالت، مالک واقعی می تواند آن را از حائز دارای حسن نیت در خلال سه سال استرداد نماید. تفاوت این مورد با مواردی که مال مزبور در دست سارق یا بایع عاری از حسن نیت است در این امر است که آنجا استرداد مال مطابق قواعد عمومی صورت می گیرد و در این صورت بحث حیازت و مرور زمان مطرح نمی گردد.

د- سایر موارد

آنچه تا کنون در گفتار اخیر بررسی گردید، مهمترین مصادیق اصل حسن نیت به مفهوم سستی بود اما به موارد ذکر یافته منحصر نمی گردد. موارد دیگری نیز وجود دارد که می توان انعکاس اصل حسن نیت به مفهوم اخیر را در آن ملاحظه نمود. یکی از آن موارد، ماده ۸۰۷ قانون مدنی است. بر مبنای این ماده قانونی، اگر کسی مال دیگری را بدون مجوز استعمال نماید، استعمال کننده به تادیه منافع مال ملزم می گردد. وجود وصف حسن نیت در استعمال کننده در حالتی که مال منقول باشد، مشمول این حکم نمی گردد. ملاحظه می گردد که وصف حسن نیت استعمال کننده در پرداخت جبران خسارت و عدم آن دخالت داده شده است. متن ماده فوق چنین است: «هرگاه شخص مال شخص دیگر را بدون اجازه استعمال نماید به تادیه منافع آن مکلف می گردد مگر اینکه مال مزبور منقول بوده و استعمال کننده دارای حسن نیت باشد.»



مواد ۲۲۰۴ و ۲۲۰۸ ق.م نیز در مورد ساخت بنا و تاسیسات و زرع در ملک دیگری بدون اجازه مالک و بدون حسن نیت است. در این حالت، مالک ازاله بنا را با هزینه احداث کننده مطالبه می کند. همچنین زرع در ملک غیر، مطابق ماده ۲۲۰۸ به مالک آن تعلق می گیرد. دلیل این موضوع، عدم حسن نیت زارع و احداث کننده بنا دانسته شده است. (عبد الله و دیگران، همان، ۱۰۱)

در بحث اداره فضولی مال غیر، بر مبنای ماده ۸۱۲ ق.م، مدیر فضولی که با حسن نیت و قصد احسان به اداره مال غیر می پردازد، حق می یابد که بابت هزینه های انجام شده به کسی که مال به نفع او اداره شده، مراجعه نماید.

همچنین در ماده ۸۰، فقره ۵ ماده ۱۱۸ و ماده ۱۲۳ قانون قرارداد های تجارتي و فروش اموال نیز به اصل حسن نیت تصریح و رعایت آن مورد توجه قرار گرفته است.

موارد دیگری هم در قوانین و بویژه در ابواب مختلف قانون مدنی وجود دارد که به گونه صریح یا ضمنی، این اصل مورد نظر قرار داده شده است.

نتیجه

اصل حسن نیت امروزه کما بیش دارای مقبولیت جهانی است هرچند که قلمرو تأثیر آن در نظام های مختلف حقوقی، یکسان نیست. رعایت این اصل در روابط حقوقی به صورت عموم و در حقوق قرارداد ها به گونه خاص بسیار ضروری و مهم است. حقوق افغانستان در موارد مختلف به صورت صریح یا ضمنی اصل حسن نیت را پیش بینی نموده است. آنچه از بررسی اصل حسن نیت به مفهوم نوین بدست می آید این است که این مفهوم اصل حسن نیت ناظر به تصرف حقوقی و قرارداد ها است. یافته ها نشان می دهد مفهوم نوین حسن نیت تقریباً در تمام مراحل قرارداد حاکم است. این مراحل می تواند شامل مذاکرات مقدماتی، انعقاد، اجرا، همکاری و حالت فسخ قرارداد گردد. قانونگذار اطراف رابطه حقوقی را از رفتار های با انگیزه های مغایر حسن نیت نهی و برای ناقضین آن ضمانت اجرا های مهمی را پیش بینی نموده است.

حسن نیت به مفهوم سنتی نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. آنچه از ملاحظه احکام قانونی مربوط به حسن نیت از نوع اخیر بدست می آید این است که این مفهوم حسن نیت بیشتر به مباحث از نوع مسئولیت مدنی، اموال و کسب مالکیت و فعل مفید ارتباط دارد هرچند به صورت محدود در مواردی شامل مباحث قرارداد ها نیز می گردد. آنچه در تمایز دو مفهوم حسن نیت به مفهوم سنتی و نوین می توان مطرح



کرد این است که مفهوم سنتی بیشتر جنبه حمایتی داشته و به ذهن ارتباط می‌گیرد در حالیکه مفهوم نوین به رفتار و عمل نظر دارد.

منابع تحقیق

۱. ابراهیم شعاریان، تعهد همکاری متعهدله، مجله علمی - پژوهشی حقوق خصوصی، دوره هشتم، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۲. انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات محراب فکر، چ ۱، ۱۳۸۴.
۳. ارفع نیا، بهشید، روحانی، مهوند، اعتبار بین المللی حقوق مکتسبه در حقوق ایران با تاکید بر رویه قضایی، تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۲۴، تابستان ۱۳۹۳.
۴. الهویی نظری، حمید، محمدی، عقیل، تحلیل ابعاد اصل حسن نیت در حقوق بین الملل در پرتو رویه قضایی، مجله حقوقی بین المللی، ش ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۵. پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان (دانشکده حقوق دانشگاه استانفورد) مبادی حقوق وجایب افغانستان، ۲۰۱۲.
۶. حبیبی، محمود، تفسیر قرارداد های تجاری بین المللی، تهران، نشر میزان، چ ۳، ۱۳۹۶.
۷. حسین سیمایی صراف، بررسی تطبیقی حسن نیت در فقه، حقوق خارجی و اسناد بین المللی، آموزه های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
۹. رسولی، عبدالحسین، قواعد عمومی قرارداد ها، کابل، انتشارات فرهنگ، چ ۱، ۱۳۹۱.
۱۰. سنهوری، عبد الرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، المجلد الثانی، الطبعة الثالثة، منشورات الحلبي الحقوقية، بیروت، ۱۹۵۶.
۱۱. سنهوری، عبد الرزاق احمد، دوره حقوق تعهدات، ترجمه سید مهدی داد مرزی و محمد حسین دانشکیاه، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، دانشگاه قم، قم، ۱۳۸۲.
۱۲. سیمایی، حسین، جعفر زاده، میرقاسم، حسن نیت در قرارداد های بین المللی: قاعده فراگیر یا حکم استثنایی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۱، بی تا.



۱۳. شعاریان، ابراهیم، ترابی، ابراهیم، اصول حقوق قرارداد های اروپا و حقوق ایران، انتشارات فروزش، چ ۱، ۱۳۸۹.
۱۴. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، تهران، انتشارات مجد، چ ۶، ۱۳۸۳.
۱۵. شبیری زنجانی، سیدحسن، یاد داشت های درس مضمون حقوق مدنی تطبیقی، بحث مفاهیم، مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۳.
- ۱۶.
۱۷. صالحی راد، محمد، گستره و آثار تعهدات قراردادی، مجد، چ ۱، تهران، ۱۳۸۷.
۱۸. عبد الله، نظام الدین، و دیگران، رهنمود انیستیتوت ماکس پلانک در باره حقوق اموال و ملکیت در افغانستان، بی جا، ویرایش دوم، چ ۱، ۱۳۹۱. قابل دریافت در: (mpil.kabul@yahoo.com)
۱۹. عبده، محمد علی (۲۰۰۷) دور الشكل فی العقود (دراسه مقارنه) بیروت، منشورات الحقوقیه.
۲۰. عبیدات، یوسف محمد، (۲۰۱۱) مصادر الالتزام فی القانون المدنی دراسه مقارنه، عمان، دار المیسره للنشر و التوزیع.
۲۱. علی انصاری، مفهوم و معنای حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه، پژوهشهای حقوق تطبیقی، ش ۴، زمستان ۱۳۸۸، ص ۴۳.
۲۲. قانون بیمه جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۷.
۲۳. قانون قرارداد های تجارتي و فروش اموال جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۹۳.
۲۴. قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.
۲۵. قانون مدنی مصر، مصوب ۱۹۴۸ م.
۲۶. قانون تجارت کویت، مصوب ۱۹۸۰ م.
۲۷. قانون موجبات و عقود لبنان، مصوب ۱۹۳۲ م.
۲۸. کاتوزیان، ناصر، سوء استفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران) شماره ۲۱، اسفند ۱۳۵۸.
۲۹. لوئیس، معلوف، المنجد فی اللغه، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
۳۰. نیک پور، مرضیه، اصل حسن نیت در قرارداد ها در فقه امامیه و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی ایوب احمد پور، دانشگاه شهید باهنر کرمان، خرداد ماه ۱۳۹۲.
۳۱. واسقی، محسن، کوزه گر، حسن، حسن نیت در تفسیر معاهدات بین المللی، تهران، انتشارات مجد، چ ۱، ۱۳۹۳.